

دلیل پنجم بر حرمت غنا:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ - لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ - بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ أَلْوِيلٌ مِمَّا تَصِفُونَ.»^۱

ترجمه:

«ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم - اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم؛ اگر این کار را انجام می دادیم، بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می شود. اما وای بر شما از توصیفی که می کنید.»

ما می گوئیم:

۱. در ذیل آیه روایتی وارد شده است که باعث شده آیه در بحث غنا مورد استدلال قرار گیرد:

«مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْغِنَاءِ وَقُلْتُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَخِصَ فِي أَنْ يُقَالَ جِنَّاكُمْ جِنَّاكُمْ حَيُّونَا حَيُّونَا نُحْيِيكُمْ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ. بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ أَلْوِيلٌ مِمَّا تَصِفُونَ ثُمَّ قَالَ وَيْلٌ لِفُلَانٍ مِمَّا يَصِفُ رَجُلٌ لَمْ يَخْضُرِ الْمَجْلِسَ.»^۲

توضیح:

۱. از حضرت درباره غنا سوال می شود و میگوید گروهی می پندارند که پیامبر در خواندن این بیت اجازه داده اند، امام صادق با خواندن آیه، این ادعا را رد کرده اند و فرموده اند وای بر کسیکه این مطلب را گفت (ما یصف)، او کسی است که در جلسه پیامبر حاضر نبوده است پس چگونه به پیامبر نسبت می دهد (یا بگوئیم: رجل... گفتار امام معصوم نیست، بلکه راوی می گوید «فلان» کسی بود که در آن جلسه حاضر نبود]

۱. سوره انبیاء/۱۶.

۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۳۳





۲. سند روایت کامل است.

۳. شعر مطرح شده در حدیث، با آنچه در لسان عرب شایع بوده است و ظاهراً به طور متعارف خوانده

می شده، تفاوت دارد و چنانکه خواندیم شعر مذکور چنین بوده است:

اتیناکم اتیناکم فحیونا نحییکم

ولولا الحبة السمراء لم نحلل بوادیکم

[سمراء: گندم، اشاره به اینکه اگر ولیمه نمی دادید نمی آمدیم]

۴. آیه به صورتی غیر از آنچه در قرائات موجود وجود دارد، در روایت مورد اشاره قرار گرفته است و

لفظ السماء تبدیل «السموات» شده است.

۵. اما در دلالت آیه شریفه، نکاتی قابل ملاحظه است:

اولاً: مضمون شعر مذکور، باطل نیست و لذا نمی تواند اعتراض ناشی از مضمون کلام باشد.

ثانیاً: ظاهر کلام سائل آن است که «نفس ترخیص در خواندن این بیت» مورد اعتراض حضرت

صادق قرار گرفته است و نه اینکه خواندن این بیت در حالیکه منظم به محرمان دیگر شده باشد.

ثالثاً: نحوه اعتراض حضرت و استشهاد به آیه شریفه، معلوم می کند که حضرت خواندن غنایی این

بیت را لهُو می دانسته است و لذا اعتراض امام صادق به این نیست که نسبت دروغ به پیامبر داده

شده باشد (و لو اینکه این کار غلط نبوده باشد ولی پیامبر این کار را نکرده است) بلکه اعتراض به

سبب «تجویز لهُو» به پیامبر است.

پس می شود نتیجه گرفت که آن شعر به صورت و کیفیت غنایی خوانده می شده است و لذا

اعتراض حضرت به اینکه پیامبر تجویز نکرده است، دال بر حرمت غنا می باشد.

۶. اما در اینکه چگونه می توان آیه را بر کلام امام صادق انطباق داد، احتمالات متعدد است:

احتمال اول: سائل می گوید پیامبر تجویز غنا کرده است و امام اعتراض کرده و می گویند «تجویز

غنا» لهُو است و پیامبر چنین نمی کند.

احتمال دوم: سائل می گوید پیامبر تجویز غنا کرده است، امام اعتراض می کنند که «غنا» لهُو است

و اگر قرار بود لهُو خوب باشد، ما خود انجام می دادیم.





احتمال سوم: سائل می گوید پیامبر تجویز غنا کرده است و امام اعتراض می کنند که غنا لهُو است و پیامبر تجویز لهُو نمی کند.

احتمال چهارم: سائل می گوید پیامبر تجویز غنا کرده است و امام اعتراض می کنند که چرا به پیامبر نسبت غلط می دهید پس استشهاد به فراز آخر آیه است.

اما احتمال چهارم بعید است و احتمال سوم هم با ظاهر آیه نمی سازد چراکه آیه می گوید ما لهُو نمی کنیم و نه اینکه تجویز لهُو نمی کنیم. احتمال دوم هم با ظاهر آیه سازگار نیست چراکه آیه نمی گوید اگر لهُو خوب بود ما خود چنین می کردیم بلکه می گوید اگر می خواستیم چنین می کردیم و کسی هم نمی توانست اعتراض کند و اصلاً خوب بودن لهُو را مفروض نگرفته است.

۷. اما انصاف آن است که اعتراض امام به این شعر، اعتراض به یک «سنت رایج» بوده است و آن هم عمل زنان در آن روزگار بوده است که با خواندن این اشعار به خانه های هم می رفتند و در حضور مردان و اهالی محل و احتمالاً با ترقص و آلات ساده موسیقی که همراه داشته اند، این اشعار را با آهنگ می خواندند.

طبیعی است که این کار چندین فعل را همراه دارد و لذا اشاره به این اشعار خاص، صرفاً اشاره به غنای آنها نبوده است بلکه اشاره به غنای متداول و مرسوم بوده است که با خواند این اشعار و همراه با لوازم آن بوده است. فراموش نکنیم که سابقاً آوردیم این بیت ها در میان اعراب بسیار مشهور بوده و آن را به عنوان غنای کنیزکان انصار ضبط کرده اند.

به همین جهت هم اعتراض امام^(ع) شدید است که چرا تجویز چنین عملی را به پیامبر نسبت می دهید، البته این اعتراض در ضمن خود، «مقام افتاء و حکایت» را از غیر اهل بیت نفی می کرده است.

